

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵ / ۱۰ / ۰۴

نویسنده: کونارد ریکاس

ترجمه: پوهندوی دوکتور سیدحسام مل

نئولیبرالیسم و تله‌های فریبنده چند فرهنگی‌گرایی غربی: چگونه در اروپای شرقی از آنها اجتناب کنیم منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2025-09-29».

Neoliberalism and the Deceiful Traps of Western Multiculturalism:

How to Avoid Them in Eastern Europe



سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی «چالش‌های سنت‌گرایی اروپای شرقی»، که توسط حزب احیا در وارنا، بلغارستان، ۲۰ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵ برگزار شد.

کشورهای اروپای مرکزی در حال تکرار تمام اشتباهات غرب هستند و در هر چاله‌ای می‌افتند. این مورد در مورد دستور کار نئولیبرالیسم صدق می‌کند و اکنون در مورد تراجنسیتی‌ها و تغییرات اقلیمی نیز صادق است

من به عنوان یک پولندی ساکن اسکاتلند، بخشی از جمعیت چند میلیونی مهاجران اروپای مرکزی هستم که عمداً و به طور سیستماتیک به اروپای غربی منتقل شدند تا مدل فعلی سرمایه‌داری حفظ شود. برای بیرون راندن این میلیون‌ها پولندی، بلغاری و روس از بحیره بالتیک، و همچنین مجارستانی‌ها، رومانیایی‌ها و دیگران، کشورهای خودمان توسط اصلاحات اقتصادی نئولیبرالی ویران شدند. صنایع ما نابود شدند، بیکاری ساختاری ایجاد شد، تورم تشدید شد و همه اینها با فساد گسترده و تضعیف روحیه نخبگان سیاسی و تجاری تضمین شد. اما ملت‌های ما قوی هستند. ما نه تنها می‌دانیم چگونه کار کنیم، بسیار کارآمدتر از آنچه طبقه جدید اربابان تصور می‌کنند، بلکه می‌دانیم چگونه مشاهده کنیم. ما می‌دانیم چگونه دروغ‌ها و فریب‌های صاحبان قدرت را تشخیص دهیم و بنابراین مهارت‌هایی داریم که در جوامع غربی خنثی شده‌اند. به عبارت ساده، ما غرایز دفاعی خود را حفظ کرده‌ایم و از جوامع خود در برابر دشمنان خارجی و داخلی محافظت می‌کنیم.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالېرلو مخکې په خير و لولي

سقوط غرب

هنوز حدود ۷۵۰ هزار مهاجر پولندی در جزایر بریتانیا زندگی می‌کنند (و حدود ۱۲۰ هزار مهاجر از بلغارستان). تعداد پولندی‌ها در بریتانیا در پنج سال گذشته نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر کاهش یافته است. مطالعات رسمی، برگزیت و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را مقصر می‌دانند، اما به طور غیررسمی، ما شاهد تأثیر همه‌گیری یا اپیدیمی جعلی کووید-۱۹، رکود اقتصادی ناشی از قرنطینه‌ها و اضطراب ناشی از بسته شدن سرحدات و عدم اطمینان در مورد خانواده‌هایشان در خانه هستیم. با این حال، این نیز یک واقعیت است که بسیاری از مردم اروپای مرکزی نه به این دلیل که شرایط زندگی در لهستان، بلغارستان یا رومانی بهبود یافته است، بلکه به این دلیل که نمی‌خواهند در بنگلادش یا شهرهای غربی شبیه غنا زندگی کنند، به خانه‌هایشان باز می‌گردند. چهره شهرهای اروپای غربی سال به سال در حال تغییر است که با کاهش احساس امنیت در بین جمعیت محلی و مهاجران اروپایی مرتبط است که تاکنون با موفقیت در فرهنگ‌های انگلیسی، اسکاتلندی، فرانسوی یا آلمانی ادغام شده‌اند. اما مهاجران اقتصادی پولندی یا بلغاری چه باید بکنند وقتی که به جای فرهنگ سنتی کشور میزبان، که بدون شک حق تعیین قوانین را دارند، توسط یک مدل کاملاً بیگانه از چندفرهنگی‌گرایی مصنوعی و یک ایدئولوژی نئولیبرال و جهانی‌گرا مجبور به این کار می‌شوند؟

شهروندان درجه دو

همانطور که احتمالاً اکثر شما در مطبوعات مستقل دیده‌اید، انگلستان در حال حاضر شاهد اعتراضات مردمی علیه مهاجرت غیرقانونی و تظاهرات خودجوش در حمایت از نمادهای ملی، در درجه اول پرچم انگلیس با صلیب سنت جورج، است. معترضان در درجه اول از افراتی ترین نمونه‌های سیاست مهاجرتی بریتانیا انتقاد می‌کنند. یک مهاجر/پناهجوی غیرقانونی به طور متوسط کمی پس از پیاده شدن از قایق به خاک انگلیس، 3000 پوند پول وجیبی دریافت می‌کند. مهاجران به خیمه‌های گول‌پیکر هدایت می‌شوند که در واقع نمایشگاه‌های مد واقع در سواحل هستند و لباس‌های طراحان را ارائه می‌دهند. به آنها تلفن‌های هوشمند پولی داده می‌شود و سپس در هتل‌های 4 و 5 ستاره در مراکز شهرها مستقر می‌شوند، با آپارتمان‌ها و خانه‌هایی که توسط شرکت‌های خصوصی تحت حمایت دولت بریتانیا با اجاره صفر اجاره داده می‌شوند، به آنها داده می‌شود. همه این اتفاقات در مقابل چشمان انگلیسی‌ها، ولزی‌ها و اسکاتلندی‌ها رخ می‌دهد، که به دلیل افزایش چشمگیر مصارف زندگی، به ویژه قیمت انرژی، مجبور به تکیه روزانه به بانک‌های غذا هستند، که ابتدا با عکس العمل به همه‌گیری، سپس با جنگ در اوکراین و «دلایل اخلاقی» تحریم‌ها علیه روسیه توجیه می‌شود. بدیهی است که چنین تبعیض عمدی علیه بومیان، عکس العمل‌های منفی را برمی‌انگیزد. انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها در کشورهای خود احساس می‌کنند که شهروندان درجه دو هستند، و نیازی به گفتن نیست که هزینه‌های حمایت از آن دیگران را نیز متحمل می‌شوند. در عین حال، سیاست فرهنگی رسمی کشورهای غربی بر تأیید فرهنگ‌های تازه واردان و در عین حال بی‌ارزش کردن، تحقیر، تمسخر و ممنوعیت سنت‌های بومی متمرکز است. بسیاری از شما احتمالاً داستان نوجوان انگلیسی را شنیده‌اید که پس از مکتب زندانی شد، پدرش به دلیل پوشیدن لباسی با نشان «به فرهنگ خود افتخار کن» احضار و تهدید به اخراج شد. همین اتفاق برای کودکان در سراسر کشور می‌افتد، مشتاقند تا تلاش‌های معدن چیان ولزی، کارگران انگلیسی و دهقانان اسکاتلندی را که کشورهای خود را ساختند، گرامی بدارند، کشورهای که امروزه خارجی‌ها طوری به آنها می‌آیند که انگار منحصراً متعلق به خودشان هستند!

چندفرهنگ‌گرایی به عنوان یک امر مطلق مدرن

با این حال، این بدان معنا نیست که دولت‌های فعلی برنامه خود را برای ترویج ندارند. البته، آنها برنامه دارند و این کار را بسیار فعالانه انجام می‌دهند. فقط ما در مورد مدلی صحبت می‌کنیم که هم برای تازه‌واردان، اغلب از پیشینه‌های بسیار سنتی، به ویژه اسلامی، و هم برای جمعیت محلی غیرقابل قبول است. چشم‌انداز جهانی با ۶۲ جنسیت، که آزادانه با اعلام اراده قابل تعویض هستند، جایی که یک مرد با لباس زنانه، دختر ۱۰ ساله شما را تا رختکن استخر دنبال می‌کند، برای هر کسی که مسئول عزیزان خود است، خوشایند نیست. با این حال، این تنها چشم‌انداز معتبر از چندفرهنگ‌گرایی غربی است.

چند سال پیش، وبلاگ‌نویسان مستقل اسکاتلند به اتفاق آرا از یک نوجوان پولندی دفاع کردند که در یک مکتب دولتی اسکاتلندی جرأت کرده بود ادعا کند که فقط دو جنسیت را می‌شناسد و دیگر جنسیتی وجود ندارد. یک معلم محلی، که تربیت بدون استرس را فراموش کرده بود، فریاد زد:

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یاډونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ

«دولت هزینه مکتب شما را پرداخت می‌کند و دولت بهتر از هر کسی می‌داند که چند جنسیت وجود دارد! بنابراین اگر آن را دوست ندارید، می‌توانید از مکتب و از این کشور خارج شوید!»

و ناگهان معلوم شد که حقوق مهاجران که به طور برجسته به مردم محلی نشان داده می‌شود، مهمترین چیز نیست. آنچه مهم است، ایدئولوژی از بالا به پایین است که جنسیت، ملیت و نژاد را اختیاری می‌داند و تنها چیز ثابت، سلطه طبقات مالک، یعنی ثروتمندان جهانی‌گرا است.

رهبران غربی ابتدا ملت‌های خود را سرکوب کردند و آنها را از طریق سانسور، درست‌اندیشی سیاسی و نظارت فراگیر محدود کردند، در حالی که همزمان میلیون‌ها مهاجر را وارد کردند و روی ریشه کن کردند آنها حساب کردند و فرصتی برای ایجاد مردمی جدید، بدون سنت، بدون تاریخ، بدون فرهنگ، فراهم کردند. ما شاهد یک تغییر قدرتمند هستیم: قوم‌نگاری، اقتصادی، اجتماعی و حتی تمدنی. این تغییری در جوهره درک ما از چیستی بشریت است. این همان تهدید غیرانسانی سازی است که رئیس کنستادینوف امروز به آن اشاره می‌کند. اینکه وجود ما چقدر ریشه در سنت، خانواده‌ها، جامعه ملی دارد و اینکه همه انتخاب‌های ما چقدر ما را به هدف نهایی: خدا و رستگاری ابدی‌مان می‌رساند یا از آن دور می‌کند.

بیابید از تکرار اشتباهات غرب دست برداریم

دقیقاً همین آگاهی است که در نتیجه مکانیسم‌های مهندسی اجتماعی که بر ما تأثیر می‌گذارند، از آن محروم خواهیم شد. با این حال، ملت‌های اروپای مرکزی و شرقی هنوز سرزندگی، غریزه حفظ خود، ظرفیت دفاع از خود و پتانسیل تولد دوباره ما را حفظ کرده‌اند. بنابراین، ملت‌های غربی اغلب ما را نه به عنوان رقیب، بلکه به عنوان امید می‌بینند. "شما متفاوت هستید، اصلاً به شما مربوط نمی‌شود!" بارها از انگلیسی‌هایی شنیده‌ام که به مهاجرت اعتراض می‌کنند. البته خود مهاجرت انبوه اصلاً خوب نیست، نه برای کشورهای میزبان و نه برای کسانی که مجبور به مهاجرت می‌شوند. با این حال، مهم است که از اشتباهات دیگران درس بگیریم. سیاستمداران در لهستان، بلغارستان، مجارستان و رومانی دوست دارند ریاکارانه تکرار کنند که چقدر از بازگشت مهاجران خوشحال خواهند شد، اما آیا آنها واقعاً کاری برای بهتر کردن کشورهای خودمان انجام می‌دهند؟ یا برعکس، دولت‌های کمپرادور لهستان، بلغارستان و سایر کشورها مطیعانه از دستورات جهانی‌گرایان پیروی می‌کنند، هموطنان ما را به عنوان نیروی کار ارزان می‌فرستند و در عوض از تازه واردان از خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و البته اوکراین که در معرض درس دردناکی از تحول غربی قرار گرفته است، استقبال می‌کنند.

تاریخ اخیر اروپای غربی برای همه ما درس عبرتی بوده است که از چه اشتباهاتی باید اجتناب کنیم، از چه اقدامات مضری باید جلوگیری کنیم تا زمانی که هنوز زمان وجود دارد و خانه‌های ما هنوز عمدتاً متعلق به خودمان است. ما باید از لهستان لهستان و بلغارستان بلغاری دفاع کنیم و برای فرزندانمان به جا بگذاریم!

سطری چند درمورد نویسنده :

کنراد رکاس یکی از نویسندگان دائمی Global Research است. تصویر ویژه از تام پنینگتون است.

با تقدیم احترامات «2025-09-30»